



بررسی کیفیت زندگی با تأکید بر مدیریت شهری (مورد مطالعه شهر اسلام آباد غرب)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۲۵

حمید برقی

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران hbarghi@geo.ui.ac.ir

بهمن شفیعی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی و مدرس دانشگاه پیام نور، ایران Shafiei_bahman@yahoo.com

احمد حجاریان

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران (مسئول مکاتبات) a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: وظایف کنونی مدیریت شهری تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. بلکه جهت دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم‌انداز شهر در راستای دستیابی به کیفیت زندگی متناسب شهری و توسعه پایدار می‌باشد که لزوم بررسی همه‌جانبه آن ضروری می‌باشد. هدف از این پژوهش ارزیابی کیفیت زندگی در شهر با تأکید بر عملکرد مدیریت شهری است.

روش پژوهش: از نوع تحلیلی-پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه است جامعه آماری مورد مطالعه شامل جمعیت شهر اسلام آباد غرب بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ به تعداد ۹۴۶۹۹ نفر می‌باشند که به منظور تعیین تعداد نمونه‌ها با بهره‌گیری از فرمول کوکران تعداد ۳۸۲ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (روش تحلیل مسیر با نرم‌افزار Amos) استفاده شده است. پرسشنامه طراحی شده دارای ۳۰ سؤال در دو بخش عملکرد مدیریت (منابع انسانی و منابع مالی و زیرساختی) و کیفیت زندگی شهری (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) می‌باشد.

یافته‌ها: بیانگر آن است که منابع مالی بیشترین تأثیر را بر عملکرد مدیریت شهری دارد. هم‌چنین ضریب تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر بعد اقتصادی ۰،۳۶، بر بعد اجتماعی ۰،۲۹، بر بعد کالبدی ۰،۴۴ و بر بعد محیطی ۰،۵۱ می‌باشد. عملکرد مدیریت شهری بر خود کیفیت زندگی (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) ۰،۲۵ تأثیر دارد. و با توجه به این که مقدار سطح معناداری کل فرضیات (P) از ۰/۰۵ کمتر و مقدار بحرانی (CR) بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی ۱/۹۶ می‌باشد

نتیجه گیری: می‌توان ادعا نمود که تمامی فرضیات پژوهش تأیید می‌شود و در نهایت مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار مدیریت شهری در افزایش کیفیت زندگی در شهر ابعاد محیطی، کالبدی و اقتصادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، عملکرد مدیریت شهری، شهرستان اسلام آباد غرب، معادلات ساختاری

مقدمه

امروزه مسائل شهر و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است. پیش از این دوره نیز شهر در مفهوم عام آن اهمیت داشت، اما در دوران معاصر این اهمیت توسط طیف وسیع‌تری از مردم و نیز طیف فراتری از متخصصان ادراک شده است. از این‌رو پرداختن به تئوری‌های جدید شهر که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقاء کیفیت محیط شهر، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوب‌تر شدن و ... مطرح شده‌اند، بیش از پیش مهم است. بر این اساس زیست پذیری یکی از مباحث و تئوری‌های اخیر در برنامه‌ریزی شهری می‌باشد که مانند دیگر تئوری‌های نوین مثل شهر توانا، شهر خلاق، شهر پایدار، شهر تاب آور، ما را به سوی داشتن شهری مطلوب‌تر برای زندگی و توسعه شهری پایدار رهنمون می‌سازد (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۳). بنابراین ضرورت و اهمیت بحث توسعه پایدار و زیست پذیری امروزه در شهرها کاملاً نمایان است. زیست پذیری و توسعه پایدار مفاهیم و رویکردهایی هستند که در نهایت شهری به دور از انواع آلودگی‌ها، ترافیک، مشکلات زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد (جعفری اسدآبادی و همکاران، ۱۳۹۳). اصول کلیدی که به این مفهوم استحکام می‌بخشد شامل برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفرج و قدرت بخشیدن می‌باشد (سی تی پلاس^۱، ۲۰۱۰). هر تعریف از کیفیت زندگی باید شامل دو عنصر (ویژگی) اساسی باشد: ۱- یک ساختار ذهنی (درونی) روان‌شناختی - فیزیولوژیکی که حس رضایتمندی را فراهم می‌کند. ۲- پدیده‌های خارجی که آن ساختار را ضمانت می‌کند (پالیون^۲، ۲۰۰۳: ۲۱). امروزه اکثر جامعه‌شناسان سطوح رشد اجتماعی شهری را با کیفیت زندگی شهری می‌سنجند و معتقدند که کیفیت زندگی شهری تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که یکی از این عوامل وضعیت جغرافیایی و بافت شهری حاکم بر شهر است. رشد شتابان شهرنشینی در ایران طی دو دهه اخیر (۱۳۸۵-۱۳۶۵) تأثیرات ناشی از رشد شاخص‌ها بر ارتقاء کیفیت زندگی را کاهش داده یا بی‌اثر کرده است. این بدان معنی است که رشد شهرنشینی (رشد تقاضا) با سرعتی به مراتب بیشتر از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (رشد عرضه) در حال افزایش است (علی اکبری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۴). در چنین زمینه‌ای پایداری عبارت است از توانایی تقویت

کیفیت زندگی که ما برای آن ارزش فائلیم (تایمر و سیمورا^۳، ۲۰۱۲: ۲۲). کیفیت محیط شهری بستگی به کیفیت زیرساخت‌های شهر و مدیریت مناسب آن‌ها دارد و شامل محیط کالبدی (فیزیکی) مانند (مدیریت آب باران، کیفیت هوا، فضای سبز، سروصدا، ترافیک و...)، تسهیلات مربوط به مسکن (تأمین آب، برق، گاز، تلفن، بهداشت، دفع فاضلاب و...) و محیط اجتماعی (جامعه، استقلال، کنش‌های اجتماعی، احساس رضایت و امنیت اجتماعی) می‌شود (کامروزامان^۴ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۴). افزایش گرایش به شهرنشینی پیچیده شدن مفهوم شهروندی و به تبع زندگی شهری را به دنبال داشته است. از سوی دیگر گسترش روز افزون صنعت که خود را با تولید انبوه کالاها و خدمات متنوع در بُعد کمی نشان می‌دهد، مشکلات زیادی برای بشر مدرن به همراه آورده است. در حقیقت، همگام با افزایش شهرنشینی و تمرکز صنایع، سرمایه‌ها، امکانات و خدمات شهری رشد کرده و شهرهای بزرگ به کلان شهرهای کنونی تبدیل شده‌اند و مشکلات دشوار و پیچیده‌ای پدید آمده است؛ از جمله آن مشکلات می‌توان به پدیده آلودگی هوا و تخریب محیط زیست، تراکم و شلوغی، ترافیک و مانند آن اشاره کرد که با اضافه شدن فشارهای روانی، صدمات جبران ناپذیری را به بشر وارد کرده است. به همین دلیل توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران به مفهوم کیفیت زندگی معطوف شده است تا از آن راه تلاش‌هایی برای ارتقاء شرایط زندگی و بهبود بخشیدن به بُعد کیفیت زندگی بشر صورت گیرد (نوابخش، ۱۳۹۱). در واقع کیفیت زندگی شهری یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف است. این مهم به دلیل اهمیت روزافزون مطالعات کیفیت زندگی در پایش سیاست‌های عمومی و نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه ریزی شهری است. کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخصه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. مفهوم کیفیت زندگی ارتباط آن با نیازهای بشر است. بنابراین اگر چه چند بُعدی مفهوم کیفیت زندگی باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شود، افراد بایستی سعی برای برآوردن نیازهای کلی خود برای بهینه‌سازی این نیازها کنند. مفهوم «کیفیت زندگی» دخالت دادن شاخص‌های اجتماعی و کیفی در اهداف توسعه و عمران شهری و

منطقه‌ای است. به کارگیری این مفهوم در واقع واکنشی است در برابر توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی در مقیاس شهری، و تلاشی است در جهت دستیابی به معیارهای جامع‌تر و چند بعدی در عرصه برنامه ریزی (بیگدلی، ۱۳۸۵). امروزه رشد سریع جمعیت در جهان و به ویژه تمرکز شدید جمعیت در مراکز شهری مشکلات فراوانی رودرروی بشریت قرار داده که از جمله این مشکلات آلودگی زیست محیطی، ترافیک، و کاهش شدید کیفیت زندگی در شهرها بوده است. در دهه‌های اخیر برای حل این بحران و کاهش اثرات آن راه‌حل‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که یکی از این راه‌حل‌ها توجه به مفهوم زیست پذیری است. زیست پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماع‌های سالم در ارتباط است. سکونتگاه زیست پذیر را به عنوان مکان مناسب برای کار و زندگی تعریف نموده‌اند. زیست پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تأمین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیر مادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی‌های عموم شهروندان می‌باشد (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۳). بر این مبنا ده اصل برای شهرهای زیست پذیر بدین شرح معرفی می‌شود: اصل اول: برنامه ریزی برای بازسازی و رشد درازمدت، اصل دوم: پذیرفتن تنوع؛ اصل سوم: نزدیک کردن طبیعت به مردم، اصل چهارم: توسعه واحدهای همسایگی اصل پنجم: ایجاد فضاهای عمومی اصل ششم: ایجاد حمل و نقل و ساخت وساز متناسب پیاده محوری (، اصل هفتم: تعدیل تراکم با تنوع گزینی و مرزهای سبز اصل هشتم: فعال نمودن فضاها برای امنیت بیشتر اصل نهم: تقویت راه‌حل‌های نو و بومی اصل دهم: تقویت اصل مشارکت با پیوند دولت، بخش خصوصی و شهروندان (بون وان^۵، ۲۰۱۵).

مدیریت شهری

مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور است. مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزا رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر مربوطه. هدف سیستم مدیریت شهری، به مثابه جزئی از

مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور است. مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزا رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر مربوطه. هدف سیستم مدیریت شهری، به مثابه جزئی از

مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور است. مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزا رسمی و غیررسمی مؤثر و ذی‌ربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر مربوطه. هدف سیستم مدیریت شهری، به مثابه جزئی از

سیستم حکومتی، اداره امور شهرها است و ایفای نقشی است که دولت برای این سیستم قائل می‌شود تردیدی نیست که صرف نظر از هر تعریفی که برای مدیریت شهری در نظر گرفته شود هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن همسو است و از کلیات آن تبعیت می‌کند و به همین دلیل است که برنامه‌های این سیستم برای ساماندهی امور شهر، به طور کلی در چارچوب برنامه‌های کلان و قوانین جاری کشور تدوین می‌گردد و اقدامات این سیستم ناقض مقررات قانونی کشور نیست (نکوبی، ۱۳۸۵).

کیفیت زندگی^۶ به معنای داشتن زندگی خوب و احساس رضایت از آن است. یا این که می‌توان میزان واقعی رفاه تجربه شده به وسیله افراد و گروه‌های تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی را، کیفیت زندگی نامید (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸). (پسون^۷، ۲۰۰۳) کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسان در ارتباط با ادراکات افراد و گروهها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کند. (داس^۸، ۲۰۰۸) کیفیت زندگی را به صورت بهزیستی و یا نبود بهزیستی مردم و محیط زندگی آن‌ها تعریف می‌کند. کیفیت زندگی مفهومی نسبی، چند وجهی و متأثر از زمان و مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). که طیف وسیعی از شاخص‌ها از تغذیه و پوشاک تا مراقبت‌های بهداشتی، محیط اجتماعی، محیط مادی پیرامون را شامل می‌شود (درونوفسکی^۹، ۱۳۵۵). دیسارت و دلر استدلال می‌کنند که کیفیت زندگی هر فرد وابسته است به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی‌ای که او از این عوامل و نیز خویشتن دارد (دیسارت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۰). (لاندری^{۱۱}، ۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی سرزندگی، کیفیت زندگی و زیست پذیری شهری پرداخته و بر اساس آن ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی شهر سرزنده و زیست پذیر بر می‌شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع‌تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عوامل مؤثر بر آن‌ها اشاره نموده است. (بون وان^{۱۲}، ۲۰۱۵) در طرح پژوهش خود تحت عنوان ده اصل اساسی برای شهرهای قابل زیست و کیفیت زندگی بالا با تراکم بالا (مطالعه موردی سنگاپور)، ده اصل را برای شهرهای زیست پذیر بدین شرح معرفی می‌کند: اصل اول: برنامه ریزی برای بازسازی و رشد درازمدت، اصل

دوم: پذیرفتن تنوع؛ اصل سوم: نزدیک کردن طبیعت به مردم، اصل چهارم: توسعه واحدهای همسایگی اصل پنجم: ایجاد فضاهای عمومی اصل ششم: ایجاد حمل و نقل و ساخت و ساز متناسب پیاده محوری (، اصل هفتم: تعدیل تراکم با تنوع گزینی و مرزهای سبز اصل هشتم: فعال نمودن فضاها برای امنیت بیشتر اصل نهم: تقویت راه‌حل‌های نو و بومی اصل دهم: تقویت اصل مشارکت با پیوند دولت، بخش خصوصی و شهروندان (جیکویز^{۱۳}، ۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی پرداخته که در قسمتی از آن به بحث سرزندگی، کیفیت زندگی و زیست پذیری شهری اشاره داشته و بر اساس آن به این نتیجه دست یافته است که چهار شرط اصلی برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی و زیست پذیری شهری لازم است: ۱- ترجیحاً محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد، ۲- غالب بلوک‌ها کوتاه باشند، ۳- منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد، ۴- تراکم فشرده کافی مردم، صرف نظر از علت حضورشان، وجود داشته باشد. (دو چازل^{۱۴}، ۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان نگرش سیستمی به کیفیت زندگی و زیست پذیری و پایداری، با نگرش سیستمی و بر مبنای خواسته‌ها و آرزوهای انسانی به تحلیل تفاوت موجود بین دو مفهوم زیست پذیری و پایداری پرداخته است. همچنین او چارچوب زمانی را مهم‌ترین بعد متصور برای تدوین معنای هر یک از این مفاهیم دانسته است و بر این مبنای چنین می‌گوید زیست پذیری عبارت است از وضعیت خواسته‌ها در ارتباط با رضایت از زندگی در یک مکان خاص برای یک فرد و یا یک گروه از افراد در حال حاضر، اما پایداری ظرفیت تحقق خواسته‌ها برای یک فرد یا یک گروهی از افراد در طی زمان است. (عنابستانی، ۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان مطالعه موردی: شهر جدید گل‌بهار پرداختند که نتایج بیانگر آن است که رابطه‌ی معناداری بین عملکرد مدیریت شهری با کیفیت ذهنی و عینی زندگی از دیدگاه شهروندان با ضریب همبستگی ۰/۸۰۲ وجود دارد. فراهم نمودن خدمات شهری توسط شرکت عمران با ۳/۴۲ درصد بیشترین تأثیر مستقیم را بر کیفیت زندگی شهروندان برجای گذاشته است. با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی از قبیل ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری، ارائه خدمات شهری گوناگون، بسط و گسترش روحیه‌ی شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی و تلاش در

پژوهشی به بررسی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه) پرداختند که نتایج بیانگر آن است که سطح کیفیت زندگی در محدوده مورد مطالعه، (با میانگین ۲/۱) پایین‌تر از حد متوسط بوده و بین شهرستان‌های مورد مطالعه از نظر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی (به استثنای بعد اقتصادی) تفاوت معنی داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از وجود شکاف و نابرابری در بین شهرستان‌های منطقه اورامانات در سطح کیفیت زندگی بود. (شیری و همکاران، ۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کیفیت زیست‌پذیری محله چرچره در همدان با استفاده از مدل استراتژیک SFAS» بر اساس روشی توصیفی-تحلیلی به این نتیجه دست یافته‌اند که در محله چرچره موقعیت جغرافیایی و نزدیکی به مرکز شهر با امتیاز وزنی ۰،۶ و وجود اراضی قابل توسعه مجدد برای ایجاد فضاهای سبز با امتیاز وزنی ۰،۲۴، مهم‌ترین نقطه قوت و فرصت در محله می‌باشند. از طرفی در بین نقاط ضعف نبود پارک محله‌ای و مشارکت پایین ساکنین رده اول و دوم را به ترتیب با امتیاز وزنی ۰،۴۲ و ۰،۲۴ و روند رو به کاهش آرامش و امنیت ساکنین به دلیل حرکت‌های عبوری در محله چرچره با امتیاز وزنی ۰،۱۶ به خود اختصاص دادند. (شاهینی فر و همکاران، ۱۳۹۵) در پژوهشی به سنجش کیفیت زندگی شهری مطالعه موردی شهر پاره پرداختند که نتایج آن بیانگر این امر بود که بر فاصله بین رضایت شهروندان با سطح مطلوب به لحاظ آماری معنادار بوده است و مشخص شده است که رضایت شهروندان شهر پاره پایین‌تر از سطح مطلوب می‌باشد. همچنین می‌توان گفت فاصله بین شادمانی شهروندان با سطح مطلوب به لحاظ آماری معنادار نبوده است و مشخص شده است که شادمانی شهروندان شهر پاره در سطح مطلوب می‌باشد. بر همین اساس می‌توان گفت فاصله بین امنیت شهروندان با سطح مطلوب به لحاظ آماری معنادار نبوده است و مشخص شده است که امنیت شهروندان شهر پاره در سطح مطلوب می‌باشد. نهایتاً می‌توان گفت فاصله بین رفاه شهروندان با سطح مطلوب به لحاظ آماری معنادار نبوده است و مشخص شده است که رفاه شهروندان شهر پاره در سطح مطلوب می‌باشد.

جهت زیباسازی سیما و منظر شهری با هدف افزایش سطح رضایت‌مندی ساکنین و غیره در شهر جدید گلبهار پیشنهاد شده است. (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۲) در پژوهشی به ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه‌های هوشمند (منطق فازی) (مطالعه موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک شهر) پرداخته که نتایج آن بیانگر آن است که کیفیت زندگی عینی در دهستان مهبان در طیفی از نامطلوب تا نسبتاً مطلوب قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که روستای موکی پایین با ضریب ۱۴۵ پایین‌ترین درجه (نامطلوب) و روستای کشیک با ضریب ۵۰۱ بالاترین درجه (نسبتاً مطلوب) را به خود اختصاص می‌دهد. کیفیت زندگی ذهنی نیز در طیف نسبتاً نامطلوب تا نسبتاً مطلوب جای می‌گیرد. به گونه‌ای که روستای تبتران ذن با ضریب ۴۶۰ کمترین درجه (نسبتاً نامطلوب) و روستای کشیک با ضریب ۶۰۷ بیشترین درجه (نسبتاً مطلوب) دارند (جعفری اسدآبادی، ۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار مورد مطالعه کلان شهر تهران» با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی، به این نتیجه دست یافته است که زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حد متوسط به پایین ارزیابی شده است که با این روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت. در میان مناطق ۲۲ گانه، منطقه یک شهر تهران نسبت به دیگر مناطق از زیست‌پذیری بهتری نسبت به دیگر مناطق برخوردار است همچنین منطقه ۲۰ شهر تهران نسبت به دیگر مناطق تهران از زیست‌پذیری نامطلوب‌تری برخوردار است. (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست‌پذیری» بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی به این نتیجه دست یافته‌اند که شاخص‌های کیفیت زندگی به طور وسیعی با زیست‌پذیری و اصول مربوط به آن در ارتباط می‌باشند و شاخص‌های زیست‌پذیری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهری حرکت می‌کند. (پری خواه زرمهر و همکاران، ۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش رضایت‌مندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست‌پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان» بر اساس روشی تحلیلی-کاربردی به این نتیجه دست یافته‌اند که رضایت مطلوبی از مؤلفه‌های مورد بررسی در محدوده مورد مطالعه وجود ندارد. (جمینی و همکاران، ۱۳۹۳)

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی: بین عملکرد مدیریت شهری و کیفیت زندگی در شهر اسلام آباد غرب رابطه وجود دارد. فرضیه‌های فرعی:

بین عملکرد مدیریت شهری و بعد اقتصادی کیفیت زندگی در شهرستان اسلام آباد غرب رابطه وجود دارد. بین عملکرد مدیریت شهری و بعد اجتماعی کیفیت زندگی در شهرستان اسلام آباد غرب رابطه وجود دارد. بین عملکرد مدیریت شهری و بعد کالبدی کیفیت زندگی در شهرستان اسلام آباد غرب رابطه وجود دارد. بین عملکرد مدیریت شهری و بعد محیطی کیفیت زندگی در شهرستان اسلام آباد غرب رابطه وجود دارد.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی مبتنی بر پرسشنامه است که در آن به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر با تأکید بر عملکرد مدیریت شهری در شهر اسلام آباد غرب پرداخته است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل جمعیت شهر اسلام آباد غرب بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ به تعداد ۹۴۶۹۹ نفر می‌باشند که به منظور تعیین تعداد نمونه‌ها با بهره‌گیری از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۸:۱۴۲). تعداد ۳۸۲ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (روش تحلیل مسیر معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos) استفاده شده است. پرسشنامه طراحی شده دارای ۳۰ سؤال در دو بخش عملکرد مدیریت (منابع انسانی و منابع مالی و زیرساختی) و کیفیت زندگی شهری (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) می‌باشد که پرسشنامه عملکرد دارای ۱۰ سؤال (۵ سؤال برای منابع انسانی و ۵ سؤال برای منابع مالی و زیرساخت‌ها) و پرسشنامه کیفیت دارای ۲۰ سؤال که برای هر بعد ۵ سؤال طراحی شده است.

جدول ۱: تعداد و شماره گویه‌های مربوط به

| پرسشنامه | |
|------------------|------------|
| متغیر | تعداد گویه |
| عملکرد مدیریت | ۱۰ |
| کیفیت زندگی شهری | ۲۰ |

روایی پرسشنامه توسط جمعی از استادان و متخصصان تأیید شد، به منظور ارزیابی قابلیت اعتماد

پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵:۱۶۶)، برای سنجش پایایی ابزار مورد استفاده، یک مطالعه راهنما با تعداد ۲۵ پرسشنامه در یکی از روستاهای خارج از حوزه مطالعاتی انجام گرفت.

ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای بخش‌های مختلف پژوهش نشان داد ابزار استفاده شده پایایی لازم را برای ادامه مراحل پژوهش دارند (جدول ۲).

جدول ۲: اعتبار کل پرسشنامه

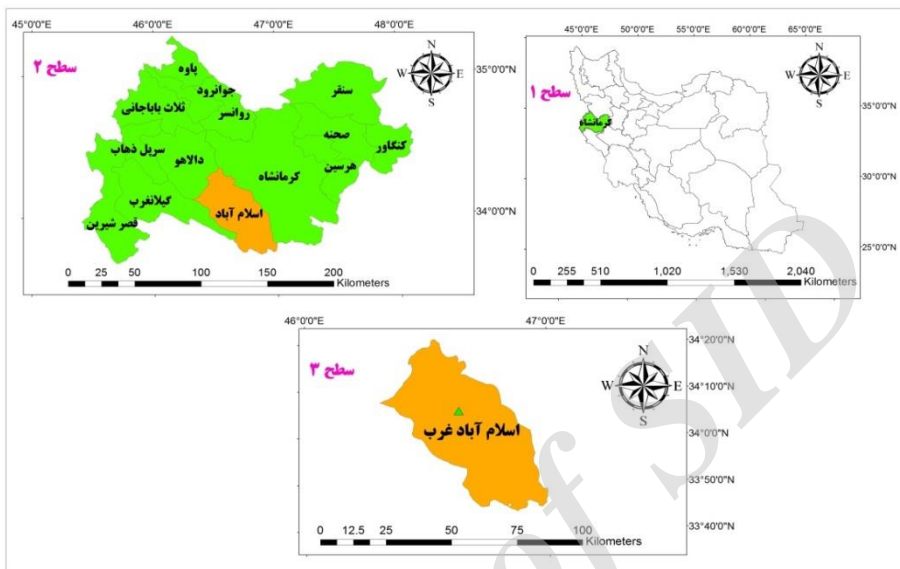
| متغیر | آلفای کرونباخ | تعداد آزمودنی‌ها |
|------------------|---------------|------------------|
| عملکرد مدیریت | ۰/۹۱ | ۳۸۲ |
| کیفیت زندگی شهری | ۰/۸۵ | ۳۸۲ |
| کل پرسشنامه | ۰/۸۳ | ۳۸۲ |

شهرستان اسلام آباد غرب از شمال به شهرستان جوانرود، از شرق به استان کرمانشاه، از غرب به شهرستان‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب و از جنوب به استان ایلام محدود می‌شود. در سال ۱۳۸۲ و بر اساس مصوبه هیئت وزیران و اعلام وزرات کشور دو بخش گهواره و حومه کردند از این شهرستان جدا و به عنوان یک شهرستان واحد تحت عنوان دالاهو تعیین شد. فاصله شهرستان مذکور تا مرکز استان ۶۰ کیلومتر می‌باشد. و همچنین ارتفاع از سطح دریا ۱۳۳۵ متر می‌باشد (مهندسین مشاور سبز اندیشه، ۱۳۸۹:۲). شهرستان اسلام آباد غرب در ناحیه کوهستانی واقع شده است و دارای آب و هوای معتدل کوهستانی با زمستان نسبتاً سرد و تابستان‌های معتدل است. بر اساس تقسیم‌بندی کوپن اغلب مناطق شهرستان دارای اقلیم زمستان سرد و تابستان گرم و طولانی است. به‌طور کلی با تقسیم استان به دو منطقه سردسیر و گرمسیر این شهرستان در زمره مناطق سردسیر قرار می‌گیرد (طرح توسعه راهبردی شهرستان اسلام آباد غرب، ۱۳۸۴:۶).

نتایج

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جامعه آماری مورد مطالعه از نظر جنسیت ۳۷،۵ درصد (۱۴۳ نفر) زن و حدود ۶۲،۵ درصد (۲۳۹ نفر) مرد بوده‌اند، از لحاظ سن ۳۰-۲۰ سال ۲۱،۷ درصد (۸۳ نفر)، ۴۰-۳۱ سال ۴۶،۷ درصد (۱۷۸ نفر)، ۵۰-۴۱ سال ۲۹،۲ درصد (۱۱۱) و گروه سنی بیش از ۵۱ سال ۲،۵ درصد (۱۰ نفر) را شامل می‌شود. بیشترین گروه سنی متعلق به گروه

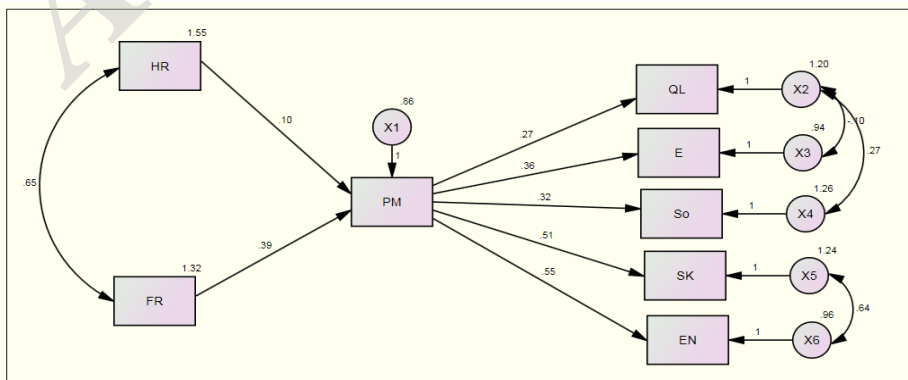
سنی بین ۴۰-۳۱ سال بوده است، از نظر تحصیلات ۲۰ درصد (۷۶ نفر) زیر دیپلم، ۱۹ درصد (۷۳ نفر) دارای تحصیلات دیپلم، ۷،۵ درصد (۲۹ نفر) فوق دیپلم، لیسانس ۴۰،۲ درصد (۱۵۳ نفر) و ۱۳،۳ درصد (۵۱ نفر) فوق لیسانس و بالاتر هستند. بیشترین درصد میزان تحصیلات افراد را لیسانس به میزان ۴۰،۲ درصد تشکیل داده و پس از آن زیر دیپلم با میزان ۲۰ درصد می‌باشد. مقادیر شاخص‌های توصیفی ابعاد متغیرهای اصلی (عملکرد مدیریت و کیفیت زندگی شهری و ابعاد آن) در جدول ۳ آورده شده است.



شکل شماره ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور و استان، منبع: نگارندگان

جدول ۳: مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرهای اصلی (n=۳۸۲)

| متغیر | ابعاد | مد | میانه | میانگین | انحراف معیار | چولگی | کشیدگی | کمینه | بیشینه |
|------------------|---------------|-----|-------|---------|--------------|-------|--------|-------|--------|
| کیفیت زندگی شهری | عملکرد مدیریت | ۳/۰ | ۲/۷ | ۲/۷ | -۰/۹ | ۰/۲ | ۰/۱ | ۱/۰ | ۵/۰ |
| | اقتصادی | ۲/۹ | ۲/۷ | ۲/۸ | -۰/۸ | ۰/۲ | -۰/۱ | ۱/۰ | ۵/۰ |
| | اجتماعی | ۳/۰ | ۳/۲ | ۳/۳ | ۰/۹ | -۰/۲ | -۰/۵ | ۱/۰ | ۵/۰ |
| | کالبدی | ۲/۹ | ۲/۹ | ۲/۹ | ۰/۷ | ۰/۲ | ۰/۳ | ۱/۰ | ۵/۰ |
| | محیطی | ۲/۰ | ۲/۶ | ۲/۷ | ۰/۹ | -۰/۲ | -۰/۳ | ۱/۰ | ۵/۰ |
| | کل | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۰/۸ | -۰/۳ | ۰/۱ | ۱/۰ | ۵/۰ |



شکل ۲: پارامترهای استاندارد نشده مدل

راهنمای مدل:

عملکرد مدیریت (PM); منابع انسانی (HR); منابع مالی (FR); کیفیت زندگی (QL); اقتصادی (E); اجتماعی (So); کالبدی (SK); محیطی (EN)

بحث

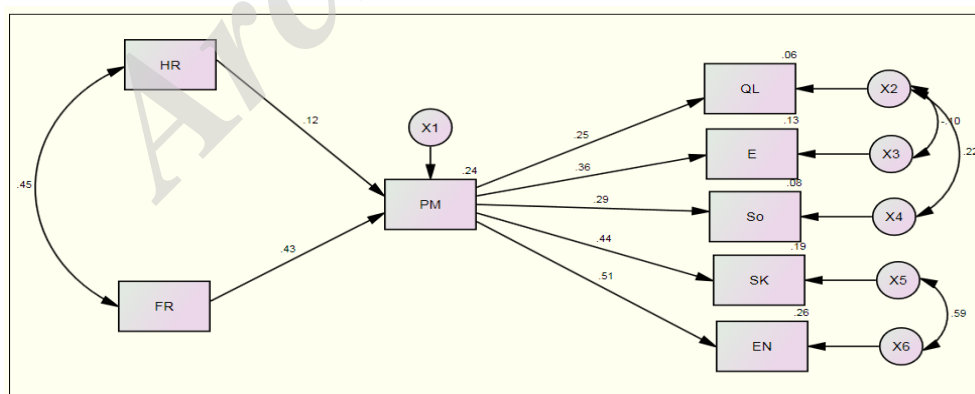
باقی‌مانده‌ها (RMR) برای ارزیابی برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش استفاده شد. هم‌اکنون معیار دقیقی برای این شاخص‌ها وجود ندارد، اما دستور العمل کلی زیر در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار X^2 معنی‌دار نباشد، مقدار کای‌اسکویر بر درجه آزادی کمتر از ۳ باشد، مقدار شاخص‌های GFI، NNFI، IFI و CFI بالاتر از ۰/۹۰ باشند، مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۸ و مقدار RMR کمتر از ۰/۰۵ باشد، برازش مدل مناسب و قابل قبول است. بر این اساس، با توجه به مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی (جدول ۴)، مشاهده می‌شود که داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی مدل معادلات ساختاری متغیرهای نهفته پژوهش سازگاری و تطابق دارند. بنابراین، مدل معادلات ساختاری پژوهش از برازش مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

در این پژوهش به منظور مطالعه ارزیابی کیفیت زندگی در شهر با تأکید بر عملکرد مدیریت شهری از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار Amos Graphic استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، با استناد به پیشنهادهاى شوک و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۴) و باومگارتنر و هومبورگ (۱۹۹۵)، از شاخص‌های کای‌اسکویر (X^2) به همراه معنی‌داری آن (P)، شاخص کای‌اسکویر بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تخریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور

جدول ۴: نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌های برازندگی

| علامت اختصاری | نام کامل شاخص برازش | مفهوم | معیار مطلوب | مقدار گزارش شده |
|---------------|---|----------------------------------|-----------------|-----------------|
| X^2/df | Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA) | ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب | ۳ و کمتر | ۲/۹۰ |
| RMR | Chi-degree freedom | شاخص بهنجار نسبی | کوچک‌تر از ۰/۰۵ | ۰/۰۴۹ |
| GFI | incremental fit index | شاخص برازش افزایشی | ۰/۹ و بالاتر | ۰/۹۲ |
| AGFI | Normed Fit Index | شاخص برازش نرمال شده | ۰/۹ و بالاتر | ۰/۹۲ |
| NFI | Goodness of fit | شاخص نیکویی برازش | ۰/۹ و بالاتر | ۰/۹۴ |
| NNFI | Adjusted Goodness of Fit | شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته | ۰/۹ و بالاتر | ۰/۸۹ |
| CFI | Comparative Fit Index | شاخص برازش مقایسه‌ای | ۰/۹ و بالاتر | ۰/۹۲ |
| RMSEA | Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA) | ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب | کوچک‌تر از ۰/۰۸ | ۰/۰۷۹ |

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۳: پارامترهای استاندارد شده مدل

جدول ۵: مسیر فرضیه؛ همراه با نسبت‌های بحرانی، خطای استاندارد و سطح معناداری

| مسیر فرضیه | خطای استاندارد | مقدار بحرانی | سطح معناداری | ضریب تأثیر | نتیجه فرضیه |
|---------------------------------|----------------|--------------|--------------|------------|-------------|
| عملکرد مدیریت <--- منابع انسانی | .097 | 1.062 | .288 | ۰,۱۲ | تأیید |
| عملکرد مدیریت <--- منابع مالی | .105 | 3.756 | ۰,۰۰۰ | ۰,۴۳ | تأیید |
| کیفیت زندگی <--- عملکرد مدیریت | .120 | 2.217 | .027 | ۰,۲۵ | تأیید |
| اقتصادی <--- عملکرد مدیریت | .106 | 3.348 | ۰,۰۰۰ | ۰,۳۶ | تأیید |
| اجتماعی <--- عملکرد مدیریت | .123 | 2.595 | .009 | ۰,۲۹ | تأیید |
| کالبدی <--- عملکرد مدیریت | .122 | 4.207 | ۰,۰۰۰ | ۰,۴۴ | تأیید |
| محیطی <--- عملکرد مدیریت | .107 | 5.144 | ۰,۰۰۰ | ۰,۵۱ | تأیید |

ضریب تأثیر متغیر منابع انسانی بر عملکرد مدیریت برابر با ۰,۱۲ و ضریب تأثیر منابع مالی بر عملکرد مدیریت برابر با ۰,۴۳ می‌باشد، هم‌چنان که از شکل شماره (۳) و جدول شماره (۵) مشخص هست منابع مالی بیشترین تأثیر را بر عملکرد مدیریت شهری دارد. هم‌چنین ضریب تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر بعد اقتصادی ۰,۳۶، بر بعد اجتماعی ۰,۲۹، بر بعد کالبدی ۰,۴۴ و بر بعد محیطی ۰,۵۱ می‌باشد. عملکرد مدیریت شهری بر خود کیفیت زندگی (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی) ۰,۲۵ تأثیر دارد. و با توجه به این که مقدار سطح معناداری کل فرضیات (P) از ۰/۰۵ کمتر و مقدار بحرانی (CR) بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی ۱/۹۶ می‌باشد، می‌توان ادعا نمود که تمامی فرضیات پژوهش تأیید می‌شود و در نهایت مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار مدیریت شهری در افزایش کیفیت زندگی در شهر ابعاد محیطی، کالبدی و اقتصادی می‌باشد که البته بیشترین تأثیر را بر شاخص محیطی داشته است.

نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیق عنایستانی (۱۳۹۲) که در تحقیقی به بررسی تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان مطالعه موردی: شهر جدید گل‌بهار پرداختند، همسو بوده که نتایج بیانگر آن است که رابطه‌ی معناداری بین عملکرد مدیریت شهری با کیفیت ذهنی و عینی زندگی از دیدگاه شهروندان با ضریب همبستگی ۰,۸۰۲ وجود دارد. فراهم نمودن خدمات شهری توسط شرکت عمران با ۴۲,۳ درصد بیشترین تأثیر مستقیم را بر کیفیت زندگی شهروندان برجای گذاشته است. ولی با نتایج تحقیق جعفری اسدآبادی (۱۳۹۲) که در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار مورد مطالعه کلان شهر تهران» با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی، تا حدودی مغایر می‌باشد که به این نتیجه دست یافته است که زیست‌پذیری کلان‌شهر تهران در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در حد متوسط به پایین ارزیابی شده است که با این روند کنونی به سمت توسعه پایدار پیش نخواهد رفت. در میان مناطق ۲۲ گانه، منطقه یک شهر تهران نسبت به دیگر مناطق از زیست‌پذیری بهتری نسبت به دیگر مناطق برخوردار است. هم‌چنین منطقه ۲۰ شهر تهران نسبت به دیگر مناطق تهران از زیست‌پذیری نامطلوب‌تری برخوردار است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات
داشتن زندگی با رفاه و همراه با آسایش و آرامش در شهر، مستلزم وجود و جاری بودن شاخص‌های متناسب کیفیت شهری می‌باشد که این امر باید به خصوص از سوی مسئولین و مدیران شهری در قالب مدیریت بهینه شهری صورت گیرد. در واقع زمانی که مدیریت شهری بتواند شاخص‌های متعدد کیفیت زندگی شهری را در قالب اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی را تحت تأثیر مناسب خود قرار دهد، زندگی در شهر به خوبی فراهم خواهد شد. بنابراین در این پژوهش نیز مشاهده گردید که مدیریت شهری بر کیفیت زندگی شهری و شاخص‌های آن تأثیر داشته و زمینه ساز بهبود آن شده است. به گونه‌ای که ضریب تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر بعد اقتصادی ۰,۳۶، بر بعد اجتماعی ۰,۲۹، بر بعد کالبدی ۰,۴۴ و بر بعد محیطی ۰,۵۱ می‌باشد. عملکرد مدیریت شهری بر خود کیفیت زندگی (ابعاد اقتصادی،

پیشنهادات

۱- مدیریت شهری، مسئولین و شهرداری‌ها و دستگاه‌های ارائه دهنده خدمات شهری می‌توانند در جهت اصلاح و بهبود شبکه‌های دسترسی و زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و همچنین ایجاد فضاهای عمومی و فضاهای سبز که حس سرزندگی و تعاملات اجتماعی را رونق می‌بخشد و همچنین در جهت تطبیق ساختار و کالبد قدیمی با شرایط زندگی امروزی ساکنان به‌ویژه حل مشکل عبور و مرور وسایل نقلیه و امدادسانی در مواقع بحرانی، سیاست‌ها و برنامه‌های کارشناسی شده را پیش ببرند. این سازمان‌ها می‌توانند با استقرار کاربری‌های مناسب در بافت شهری و با توجه به اصول زیر، پویایی و جذب افراد را در محله افزایش دهند:

- ۱- رفع کمبودها در سرانه‌های کاربری‌های خدماتی مورد نیاز محله
- ۲- تجمع فعالیت‌ها و ایجاد مراکز محله
- ۳- توجه به پیاده‌مداری و حرکت پیاده در بافت
- ۴- ارایه برنامه‌های تشویقی و ترغیبی و حمایتی نظیر مشاوره رایگان و ارزان قیمت، حذف عوارض شهرداری‌ها، صدور پروانه رایگان و ارزان، تخصیص مصالح ارزان برای ساخت بناهای متناسب با ضوابط معماری.
- ۵- سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط با حفظ و نگهداری میراث ملی و فرهنگی و تاریخی می‌توانند با تعاملات سازنده با سایر دستگاه‌ها در جهت بهسازی و نوسازی و مرمت این آثار گامی اساسی بردارند و از تخریب کامل این آثار با ارزش جلوگیری به عمل آورند و توان بالقوه محله را برای جذب افراد و حتی گردشگران، بالفعل کنند.
- ۶- سرمایه‌گذاری در این بخش و ایجاد مراکز تجاری و بافت تجاری به عنوان عامل مهمی در ایجاد حس سرزندگی می‌تواند نقش بسزایی در جذب هرچه بیش تر افراد و تقویت حس سرزندگی و بالا بردن کیفیت زندگی در بافت شهری ایفا کند

منابع

بیگدلی، الهه (۱۳۸۵)، توسعه پایدار در شهرهای جدید، مجموعه مقالات طرح‌های توسعه شهری، اقتصاد، مدیریت، حمل و نقل و ترافیک در شهرهای جدید، کتاب سوم.

بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۰)، شهر زیست پذیر، از مبانی تا معانی، تهران، انتشارات آذرخش.

بریمانی، فرامرز بلوچی، عثمان (۱۳۹۲)، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی با استفاده از سامانه‌های هوشمند (منطق فازی) (مطالعه موردی: دهستان مهبان شهرستان نیک شهر)، مجله پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۵۸۵-۶۱۳.

پری خواه زرمهر، ساره؛ بندرآباد، بندر؛ سعیدنیا، سید احمد (۱۳۹۳)، سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی مبتنی بر اصول زیست پذیری شهری نمونه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز- محله موردستان، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا.

جاجرمی، کاظم؛ کلتی، ابراهیم (۱۳۸۵)، سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان مطالعه موردی (گنبد قابوس)، مجله جغرافیا و توسعه، صص ۱۸-۵.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.

جعفری اسدآباد، حمزه؛ عزیزی؛ اصغر (۱۳۹۳)، زیست پذیری و توسعه پایدار ضرورتی برای شهرهای امروزی، مجموعه مقالات کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.

جمینی، داود؛ جمشیدی؛ علیرضا (۱۳۹۳)، بررسی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامانات استان کرمانشاه)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۳۱، صص ۲۱۱-۱۹۱.

خراسانی، امین؛ رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، شناخت و تحلیل تفاوت زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم شماره ۲، تابستان، صفحات ۷۴-۵۵.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، ناشر: انتشارات سازمان سمت محل انتشار: تهران.

درونوفسکی، جان (۱۳۵۵)، کیفیت زندگی، اندازه‌گیری و برنامه ریزی آن، ترجمه احمد اشرف.

- کرمانشاه. **مجله روستا و توسعه**، سال سوم، شماره ۱، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- فرمانداری شهرستان اسلام آباد غرب (۱۳۸۴). **طرح توسعه راهبردی شهرستان اسلام آباد غرب**، وزارت کشور استناداری کرمانشاه.
- نکویی نازیلا (۱۳۸۵)، مدل توسعه راهبردی فناوری ارتباطات و شهرداری‌ها، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی شهرداری الکترونیک**، نوابخش، مهرداد (۱۳۹۱)، کیفیت زندگی شهری و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه، **مجله مطالعات جامعه شناختی شهری**، تابستان ۱۳۹۱، دوره ۲، شماره ۳، صص: ۸۱-۶۵.
- نوغانی، محسن؛ اصغر پور، ماسوله؛ اصغر صفا، شیمان؛ کرمانی؛ مهدی (۱۳۸۷)، کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد- **مجله علوم جغرافیا دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی**، شماره مجله ۵۰۱، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- یوسفی، رشید؛ احساس خواه، مهدی؛ مراد پور، نبی؛ گراوند؛ لیلیا (۱۳۹۳) تحلیل شاخص‌ها و ابعاد کیفیت زندگی شهری با رویکرد زیست پذیری، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی مهندسی محیط زیست**.
- Baumgartner, H., & Homburg, C. (1995), **Applications of structural equation modeling in marketing research: A review**. International Journal of Research in Marketing, 13, 139-161.
- Bonvan, B., (2015), **Politics, markets and lifesatis faction: the Political economy of human happiness**, American Political science Review.
- Cities plus (2010) "A sustainable urban system": the long term plan for greater Vancouver, Canada.
- Das, D (2008), **Urban Quality of Life: A case study of Guwahati**, Social Indicators Research, 88.
- Dissart, J. Deller, S (2000), **Quality of Life in the Planning Literature**, Journal of Planning Literature, No. 15, PP. 135-161, Pal, A.K.
- Do Chazel S., (2010), **THE WORLD URBAN FORUM 2006 Vancouver** working group discussion paper international center for sustainable cities.
- Kamruzaman Mjumder, A., Hossain, E., Islam, N., and Sarwar, I. (2007). "Urban environmental quality mapping: A Perception study on CHittagone مهندسی مشاور سبز اندیشه (۱۳۸۷). **گزارش بازنگری طرح هادی روستای «حسن آباد» دهستان حسن آباد**، بخش مرکزی، شهرستان اسلام آباد غرب.
- رضوانی، محمدرضا؛ شکیبیا، علیرضا، منصوریان، علیرضا (۱۳۸۷)، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی شهری، **مجله رفاه اجتماعی**، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۵۹-۳۵.
- رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی اکبر؛ منصوریان؛ سناری، حسین (۱۳۸۸)، توسعه و سنجش شاخص کیفیت زندگی شهری (نمونه موردی نورآباد، لرستان)، **مجله مطالعات پژوهشی شهری و منطقه‌ای**، سال اول، شماره دوم، صص ۱۱۰-۸۷.
- سرمد، زهره ؛ عباس بازرگان (۱۳۸۵)، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (نسخه دوازدهم)** تهران: انتشارات آگه.
- شیری، الهام؛ سعیدی، مهدی؛ زارع، مینا (۱۳۹۲)، ارزیابی کیفیت زیست پذیری محله چرچره در همدان با استفاده از مدل استراتژیک SFAS، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خدمات شهری و محیط زیست**.
- شاهینی فر، مصطفی؛ فرجی، مظفر؛ داروگری، شهرام؛ احمدی، مهرداد (۱۳۹۴)، سنجش کیفیت محیط زندگی شهری (مطالعه موردی شهر پاوه)، **سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران**.
- علی اکبری، اسماعیل؛ امینی، مهدی (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی شهری در ایران- **مجله علمی پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره ۳۶، صص ۱۲۱.
- عناستانی، علی اکبر ؛ عناستانی؛ زهرا (۱۳۹۲)، تأثیر عملکرد مدیریت شهری بر ارتقا کیفیت زندگی شهروندان مطالعه موردی: شهر جدید گل‌بهار، **مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری**.
- قالیباف، محمداقرا؛ رمضان زاده لسبویی؛ مهدی، یاری شگفتی؛ اسلام (۱۳۸۸)، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی، مطالعه موردی: بخش نوسود استان

- Metropolitan city"**, Katmanda University Journal of Science, Engineering and Technology, Vol.1, No IV.
- Landry, C., (2000), **Urban Vitality: A New source of Urban Competitiveness, prince claus fund journal**, ARCHIS issue Urban Vitality / Urban Heroes
- Palione, M. (2003). "**Urban environmental quality and human wellbeing – a social geographical perspective**", Landscape and Urban Planning 65, pp, 19-30.
- Timmer Vanessa and nola- Kate S,. (2012): "**THE WORLD URBAN FORUM 2013 Vancouver**" working group discussion paper internation center for sustainable cities.

یادداشت‌ها

- ¹ *Cities PLUS*
- ² *palione*
- ³ *Timmer&Seymora*
- ⁴ *Kamruzaman*
- ⁵ *Bonvan*
- ⁶ *Quality of life*
- ⁷ *Psvn*
- ⁸ *Das*
- ⁹ *Drvnvfsky*
- ¹⁰ *Dysart et al*
- ¹¹ *Laundry*
- ¹² *Boon Wan*
- ¹³ *Jykvyz*
- ¹⁴ *Two Chazl*
- ¹⁵ *Shock et al*